

تقویت مدیریت محلی، راهکاری در جهت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی؛ مطالعه موردی: محمود آباد اصفهان

امید احدیان - کارشناس ارشد شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، همدان، ایران.
رضا شاکر اردکانی - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده هنر و معماری، تهران، ایران.

چکیده

اسکان غیررسمی، از پیامدهای نامطلوب شهرنشینی در جهان معاصر و کشور است که به ویژه در نتیجه صنعتی شدن شتابان و نابرابری‌های منطقه‌ای شکل گرفته و شهرها و خصوصاً کلان‌شهرهای کشور را با مسائل عدیده‌ای مواجه ساخته است. نوشتار حاضر با بررسی اسکان غیررسمی و چگونگی شکل‌گیری آن در ایران و جهان به نمونه موردی محله محمودآباد در منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان پرداخته است. در این راستا به ارائه راهبردهایی به منظور ساماندهی و توانمندسازی محدوده مورد مطالعه پرداخته شده است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، پیمایش و مطالعه میدانی در ۳۰۰ پرسشنامه (حجم نمونه) اخذ شده از ساکنان در سکونتگاه غیررسمی محمودآباد استدلال کرده است که علت شکل‌گیری این پدیده در این محدوده، نتیجه مهاجرت‌های بی‌رویه از یک سو و مسائل و مشکلات اقتصادی و فقدان مدیریت واحد و هماهنگی در زمینه مسائل و مشکلات اقتصادی در حیطه مسائل مهاجرتی و اسکان اولیه آن‌ها از سوی دیگر بوده است. در ادامه پس از تحلیل‌های صورت گرفته به کمک ابزار تحلیل از شناخت محمودآباد در ابعاد مختلف، طرح پیشنهادی ساماندهی سکونتگاه غیررسمی در قالب راهبرد توانمندسازی و با تأکید بر نقش مدیریت محلی ارائه شده است که مبتنی بر تدوین سند توانمندسازی و تبیین راهکارهای اجرایی است.

Strengthen the local management solutions to empower informal settlements; case study: mahmoodabad, isfahan

Informal settlement, the negative consequences of urbanization in the contemporary world and especially the rapid industrialization and regional disparities have been created.

The present study of informal settlements in Iran and the world and how it is taking shape Mahmoodabad neighborhoods in 12 municipalities of case studies. In this regard, the proposed approaches to the study area have been organizing and empowerment. This study used descriptive research - analysis, survey and field study of 300 questionnaires (sample size) is obtained. The following analyzes were carried out using the analysis tool Mahmoodabad of various sizes, the proposed regularization of informal settlements is presented in the form of empowerment strategies.

Keywords: Local management, empowerment, informal settlements, Mahmoud Abad, Isfahan.

واژگان کلیدی: مدیریت محلی، توانمندسازی، سکونتگاه غیررسمی، محمود آباد اصفهان.

۱- مقدمه

«ظرفیت‌های درونی» و «اولویت‌بندی» به صورت توأماً به عنوان شرایط ایجاد کننده از راهبرد توانمندسازی، متذکر می‌شود که این راهبرد توسط ساکنان شرایط مطروحه را ایجاد خواهد کرد.

لذا این مفهوم با تغییر^۵ فرآیندهای گذشته شکل جدیدی از زندگی در جامعه و باهمستان را نمایش می‌دهد که با توانا تر کردن فرد و افزایش قدرت در فرد و جامعه سعی در بهتر شدن زندگی دارد که این مقوله را می‌توان به عنوان هدف کلان از مفهوم توانمندسازی نیز برشمرد. در این رهیافت می‌توان با نگاه علی به مسائل شهری، توانمندسازی را در جهت بهتر شدن و حل مسائل دانست، توانمندسازی با افزایش کیفیت زندگی سعی دارد استقلال نسبی در تصمیم‌گیری، افزایش خودکفایی محلی، هدایت مردم‌سالاری و بالتبع افزایش مشارکت‌پذیری در میان ساکنان شهری و فراگیری اجتماعی را تحقق بخشد.

امری که فریدمن^۶ (۱۹۹۲) نیز بدان در تعریف توانمندسازی اشاره می‌کند وی همچنین علاوه بر تاکید توسعه، توجه به باهمستان نیز می‌نماید و امر توانمندسازی را در محوریت باهمستان دنبال می‌کند. وی توانمندسازی را به عنوان پدیده‌ای مطرح می‌کند که توانایی تفسیر کردن بر روی پایه یا محوریت باهمستان را دارد و امری قطعی در توسعه متعادل می‌داند که وابسته به جامعه و افراد آن است (Friedmann, 1992). تاکید بر باهمستان در مقوله توانمندسازی در گفتار سایر متفکران نیز به چشم می‌خورد، گیلدربلوم (۲۰۰۸) در کتاب خود بیان می‌دارد که مقوله توانمندسازی به ساختاری از پایین به بالا شکل گرفته است که بر محوریت باهمستان^۷ محقق خواهد شد (Gilderbloom, 2008: 188)؛ لذا دموکراسی محور بودن در توانمندسازی نیز از جمله مواردی است که مفهوم توانمندسازی با آن اجین شده است. شکوئی

واژه توانمندسازی در فرهنگ زبان فارسی از ریشه توانا به معنی دارای قدرت انجام کار، نیرومند و قوی (معین، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵۹) مطرح شده است در این رابطه توانمندی نیز مطرح گشته است که انوری آن را توانایی و قدرت (انوری، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵۱) معنا کرده است، در تفکر شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری توانمندسازی امر نسبتاً جدیدی است که برآمده از برنامه‌ریزی پست مدرنیسم^۱ است که مبتنی بر مشارکت، عمل‌گرایی و عدم تمرکز در برنامه‌ریزی می‌باشد^۲؛ لذا توانمندسازی برای شهروندان و شهر در تفکر برنامه‌ریزی پست مدرن توصیه می‌شود (Walters, 2007: 79). در این راستا و در سایر تفکرات شهرسازی که در دوران متقدم نیز به آن پرداخته شده است مفهوم توانمندسازی به عنوان یک پیش فرض اساسی مطرح شده است (Vale & Campanella, 2005: 352). در لغت نامه شهرسازی حول لغت توانمندسازی آورده شده است که «افزایش توانایی مردم برای مدیریت زندگی خودشان» (Cowan, 2005: 123).

ایراندوست (۱۳۸۸) راهبرد توانمندسازی را بخشی از مباحث حاکمیت خوب شهری^۳ معرفی می‌کند (فنی و صادقی، ۱۳۸۸، ص ۶۱). باید مدنظر داشت که توانمندسازی در جهت بهتر شدن یا زندگی بهتر گام بر می‌دارد. نیل^۴ (۲۰۰۳) در کتاب خود مفهوم توانمندسازی را حرکتی در جهت یافتن و تحقق زندگی خوب شهری مطرح می‌کند و لزوم آن را محق در توسعه شهری می‌داند (Neal, 2003: ۲۳۲)، اساس موفقیت در توانمندسازی تاکید بر استفاده از ظرفیت‌های درونی و پتانسیل‌های مکان در ابعاد مختلف است. اسکندری و رباطی در مقاله خود با عنوان «سیاست‌های بانک جهانی در خصوص توانمندسازی» با اشاره به این امر به مقوله

1- Post Modernism Planning

۲- در حوزه تاریخی تفکر پست مدرنیسم در برنامه ریزی در دهه ۸۰ از قرن بیستم می باشد که با مقاله برژیرال پیرامون برنامه ریزی در آمریکا آغاز شد.

3- Urban Good Governance

4- P.Neal

۵- در اینجا مناسب است که اشاره ای نیز به معنی تغییر شود، در دانشنامه کارآفرینی اشاره شده است که برهم زدن وضعیت موجود و حرکت برای رسیدن به وضعیت به مطلوب است و شامل ۵ مرحله در فرآیند خود می باشد. این مراحل شامل، زمان حاضر، نتایج آینده، استراتژی، اقدامات تغییر دهنده و بازنگری است (دانشنامه کارآفرینی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۴-۳۹۸)

6- J.Friedmann

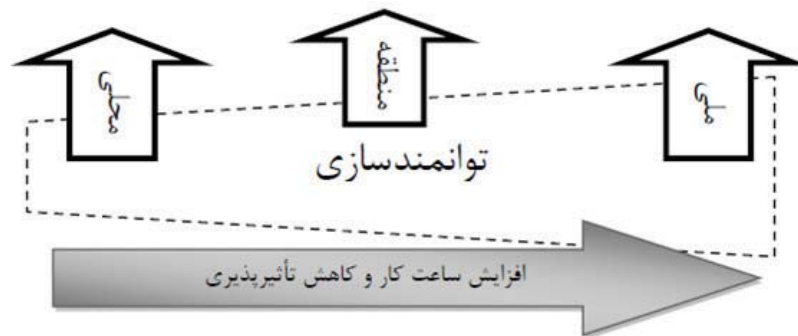
7- Community based

این تفکر را برگرفته از ریشه‌های پلورالیسم می‌داند و بیان می‌کند که «در این رویکرد همه گروه‌ها باید همسو و هم جهت باشند و هیچ‌کدام بر دیگری برتری نگیرد» (شکوئی، ۱۳۷۴، ص ۴۲۹).

پیرامون محوریت باهمستان نیز باید اشاره کرد که تاکید بر آن دلیل بر عقیم بودن این مفهوم در سایر سطوح نیست، بلکه تأکیدی است بر تفکر محلی و تأثیر جهانی (Whiehead, 2007: 158)؛ لذا می‌توان انتظار داشت که این مفهوم نیز در سایر سطوح نقش داشته باشد، در این زمینه پرکینس (۱۹۹۲) این امر را دیالکتیک توانمندسازی^۱ می‌داند. وی در این باب بیان می‌کند که توانمندسازی در جوامع کوچک و یا محلی بسیار واضح‌تر، روشن‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود (Zimmerman & Perkins, 1995: 577). در این زمینه می‌توان انتظار داشت که مدیریت محلی تأکیدی مفهومی بر تحقق راهبرد توانمندسازی می‌باشد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که ساعات کار و تأثیرگذاری توانمندسازی با سطح و بزرگ‌تر شدن گروه‌ها رابطه معکوس دارد، البته باید مدنظر داشت که خروجی هر سطح نیز متفاوت است.

می‌توان انتظار داشت که این مفهوم با سایر تئوری‌ها هم‌نشینی مساعد و مطلوبی خواهد داشت و این برآمده از تعریف ذکر شده از مفهوم و رابطه عمیق آن با انسان می‌باشد. در این رابطه می‌توان از توافق و تعامل این مفهوم با مدیریت محلی اشاره کرد که در سطح و ارتباط می‌تواند با هم ارتباط برقرار کنند.

۲. توانمندسازی در شهرسازی به عنوان امری برای حل مشکلات شهری مطرح شده است. در حالی که توانمندسازی می‌تواند مسیر توسعه را مشخص کند و باید به عنوان یک پیش فرض اساسی در شهرسازی و طرح‌های توسعه شهری مورد استفاده قرار بگیرد. آنچه در این مسیر حائز اهمیت است، توجه به این مطلب است که توانمندسازی به عنوان یک راهبرد مطرح است و برای اجرایی شدن نیازمند راهکار و راه حل در سطوح دیگر دارد؛ لذا ابتدا باید سطوح را شناسایی کرد و در مرحله بعد توجه داشت که برای هر مکان و زمان اقتضائات خاص خود را بیان کرد. در این زمینه برک‌پور در تأکیدی بیان می‌کند که «حکومت محلی اصلی‌ترین نیروی محرک برای یکپارچه‌سازی کلبه بازیگران در فرآیند ساخت شهر به حساب می‌آید» (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸، ص



تصویر ۱. رابطه توانمندسازی با سطوح مختلف عملکردی؛ منبع: اخگر، ۱۳۹۱.

(۱۰۲) و لذا هر دو به عنوان یک اساس در ساخت شهر امروز با تأکید بر دموکراسی توده و گروه‌ها مطرح است.

۲- سکونتگاه‌های غیررسمی

مفهوم اسکان غیررسمی^۲ دارای اصطلاحات مختلف

با توجه به مطالب ارائه شده در این بخش باید مطرح کرد که توانمندسازی و مدیریت محلی در سیر تکوینی خود دارای چند نقطه عطف است که بدان اشاره خواهد شد:

۱. به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم توانمندسازی

1- Dialectics of Enablement

2- Informal Settlement

3-Spontaneous Settlement

4- Unplanned

دیگری مانند سکونتگاه‌های خودرو^۱، برنامه‌ریزی نشده^۲، غیرقانونی^۱ و حاشیه‌نشین توصیف شده است. جواهر پور و داورپناه در مقاله خود ضمن بیان ویژگی‌ها از اسکان غیر رسمی آن را این گونه تعریف می‌کنند که «این مفهوم به فرآیندی اشاره دارد که آشکالی از تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد را به صورت غیررسمی و غیرقانونی در بر می‌گیرد» (جواهرپور و داورپناه، ۱۳۸۱: ۸۲)؛ لذا باید مد نظر داشت که اول، این مفهوم یک تلقی فرآیندی است و خلق‌الساعه در مکان یا محیطی به وقوع نپیوسته است و دوم، تأکید ایشان بر غیر قانونی و لزوماً غیررسمی بودن این مکان‌ها می‌باشد. در این زمینه حاتمی‌نژاد (۱۳۸۲) به بیان این مهم می‌پردازد و آن را به عنوان یک فضای بیمارگونه در ابعاد مختلف و نامتعارف بیان می‌کند، «فضاهای زندگی غیررسمی و نامتعارف شهری که بازتاب فضایی بیمارگونه از اقتصاد و مدیریت ضعیف و برنامه‌ریزی فضایی - منطقه‌ای و معلول بی‌عدالتی‌های اجتماعی - اقتصادی در سطوح ملی - استانی و محلی است» (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۴۹). بوچانی (۱۳۸۳) نیز به غیررسمی بودن سکونتگاه غیررسمی اشاره دارد ولی وی تأکیدی بر برنامه‌ریزی برای حل مشکل آن‌ها دارد. وی بیان می‌کند که «پدیده اسکان غیررسمی معرف نوعی از سکونت در مکان‌های خاصی از شهر است که افراد ساکن در آن‌ها در شرایط متفاوت و پر مشکلی زندگی می‌کنند و حل مشکلاتشان نیازمند توجه برنامه‌ریزی ویژه‌ای است» (بوچانی، ۱۳۸۳: ۶۰).

میرفندرسی دلیل مشکلات خاص سکونتگاه‌های غیررسمی را به دلیل جدا شدن آن‌ها از اقتصاد شهری می‌داند، «حاشیه‌نشینی به معنای اعم، شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، ولی جذب اقتصادی شهری نشده‌اند، جاذبه‌های شهری و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثراً مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی، راهی شهرها می‌شوند» (میرفندرسی، ۱۳۸۱: ۵۲). بنابراین می‌توان مشاهده کرد که سکونتگاه‌های غیررسمی در تعاریف بیان

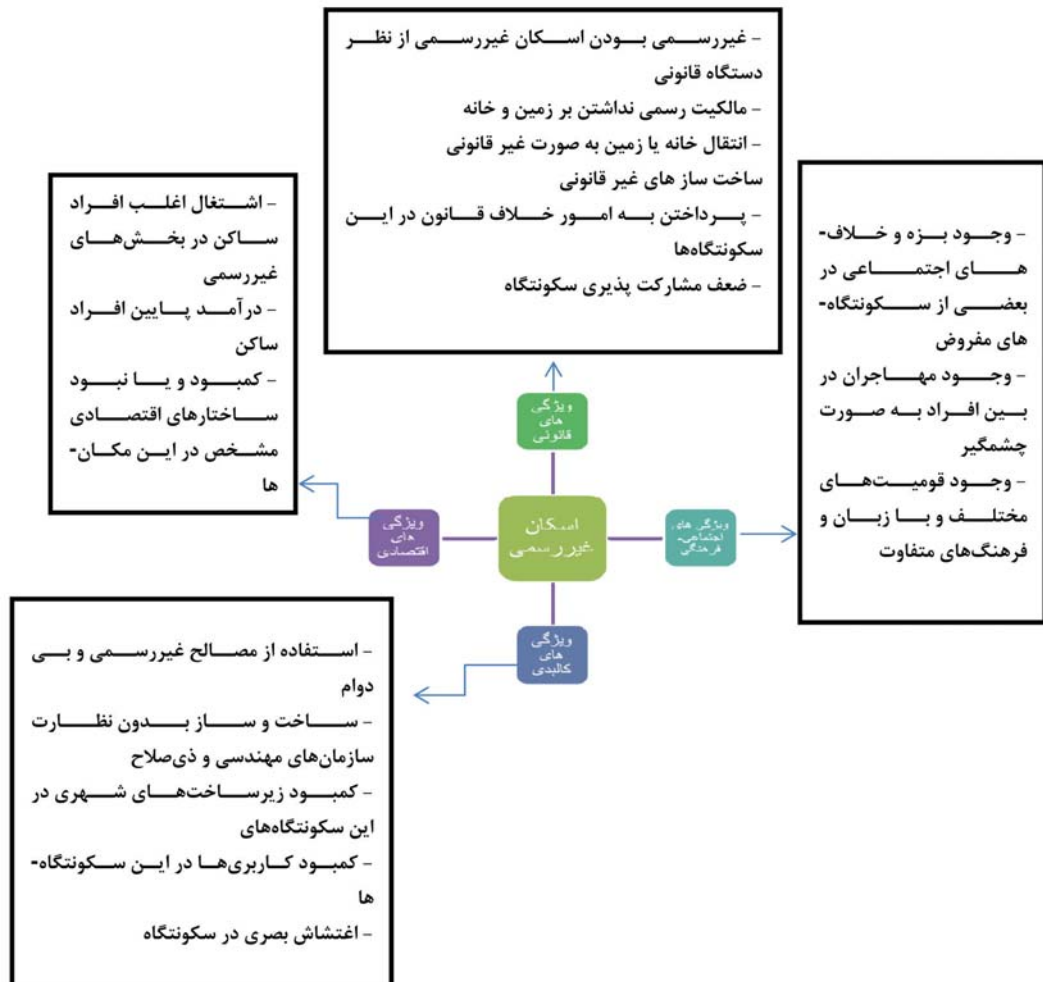
شده، به عنوان مجموعه مسکونی غیرقانونی برای افراد دارای مشکلات اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته است که بیشتر جمعیت آن را مهاجرانی شکل داده‌اند که اموال‌های خود را در کلان‌شهرها جستجو می‌کنند و یا افرادی هستند که از زادگاه خود رانده شده‌اند و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آن‌ها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر فرافکنی در محیط از سوی دیگر، از محیط‌های شهری پس زده می‌شوند و به تدریج در کانون‌های بهم پیوسته و یا جدا از یکدیگر، در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند، به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آن‌ها با محل سکونت متعارف شهری، مغایر است و فضاهای مسکونی را شکل می‌دهند که در بعضی از مواقع در یک فرآیند تاریخی و در بعضی دیگر به صورت آنی^۲ ایجاد می‌شود و بالتبع در ابعاد اقتصادی و اجتماعی به عنوان گروه‌های غیررسمی شناخته می‌شوند با این حال فقر به عنوان مؤلفه‌ای ثابت مبتنی بر کاهش درآمد خانوارهای در این سکونتگاه‌های ثابت می‌باشد. اصطلاح «شهری شدن فقر» یا «فقر شهری» در اکثر ادبیات توسعه شهری معرف روندهای پیش گفته است. فقر اقتصادی می‌تواند شکل فضایی و کالبدی به خود بگیرد و در سیر متقابل یکدیگر را باز تولید کند. شیخی (۱۳۸۲) نیز در مقاله ارائه شده خود به این مطلب اشاره دارد که توجه برخی از پژوهشگران به جنبه‌های منفی شهرنشینی و تضاد میان شهر و روستا به تدریج زمینه طرح مفاهیمی مانند فرهنگ فقر و دوگانگی روستا - شهری و حاشیه‌ای بودن را در ادبیات توسعه شهری فراهم آورد، مفاهیمی که برگرفته از مطالعات انجام شده در قرن بیستم درباره فقر و نابرابری‌های اجتماعی به ویژه در کشورهای آمریکای لاتین بوده‌اند (شیخی، ۱۳۸۲). وی هم چنین در رساله دکتری خود بیان می‌کند که واژه‌های سکونتگاه‌های مبتنی بر تصرف عدوانی یا تملک غیرقانونی اراضی^۳ به عنوان شکل غالب تأمین سرپناه گروه‌های کم درآمد بر اساس همین دیدگاه مطرح می‌شود (شیخی، ۱۳۸۰ و اخگر، ۱۳۸۸). اکنون اصطلاح حاشیه‌نشینی یا سکونتگاه‌های حاشیه‌ای

1- Illegal

۲- برای اطلاع بیشتر ن.ک به پیران، پرویز، مقاله شهرنشینی شتابان و ناهمگون، آونک نشینی در تهران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوم، شماره سه، ۱۳۶۶

3-Squatter Settlement

بر فرآیند تاریخی دلالت دارد که شکل‌هایی از تأمین مسکن و اسکان گروه‌های کم درآمد را از قبیل زاغه‌ها یا آلونک نشینی پراکنده^۱، تصرف عدوانی و سازمان یافته اراضی^۲ در قالب جنبش‌های اجتماعی خودجوش جنبه سوداگرانه یافتن این روند به شکل خانه‌سازی و تفکیک غیررسمی زمین به ویژه در نقاط روستایی و مراکز جمعیتی پیرامون شهر را در بر می‌گیرد. از همین رو این گونه سکونتگاه‌ها به عنوان مرحله‌ای گذرا از روند تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد شهری شناخته می‌شود.^۳ بنابراین آنچه که «حاشیه» اصطلاح می‌شد گروه‌های رانده شده مهاجران روستایی فاقد توانمندی حرفه‌ای، تحصیلات و بضاعت لازم برای هر گونه مشارکت در



تصویر شماره ۲: ویژگی‌های مشترک میان سکونتگاه‌های غیررسمی در ابعاد مختلف منبع: نگارندگان

1- Slum

2- Squatters

۳- برای اطلاع بیشتر ن.ک به Davis, mike (۲۰۰۶), "Planet of Slums", published by Verso, London

پدیده حاشیه‌نشینی در تطور تاریخی از مفهوم شهرنشینی و شهر‌گرایی صورت یافته است و در عین حال ایجاد فضای اجتماعی در درون شهرها خواهد بود به نوعی که شاید بتوان گفت که شهر ثانوی در شهر مرجع شکل می‌گیرد. این در حالی است که این محیط دارای فرهنگ و شرایط اجتماعی خاص خود خواهد بود. با این حال آنچه مسلم و مشترک می‌باشد، کاهش سطح درآمدی و افزایش بزه در اشکال مختلف آن صورت می‌پذیرد. می‌توان با توجه به تعاریف مذکور و برداشت میدانی از سکونتگاه‌های غیررسمی در نقاط مختلف ایران، ویژگی این سکونتگاه‌ها را به صورت ذیل بیان کرد که از آن می‌توان به عنوان معیاری برای شناخت سکونتگاه‌های غیررسمی نیز نام برد.

بر اساس مدل صفحه قبل نمی‌توان ابعاد و ویژگی‌های مختلف را از یکدیگر متمایز کرد و همان طور که در نمودار نیز مشخص است به صورت هم سطح مطرح شده‌اند این در حالیست که به طور مسلم این ابعاد بر گزینه‌های دیگر تأثیر می‌گذارند و عوامل متأثر از هم می‌باشند و نمی‌توان آن‌ها را به صورت مستقل نسبت به یکدیگر بیان داشت. متفکران دلایل وقوع آن را به سه

نوع تفکر که موید سه دوره نیز است، تقسیم کرده‌اند:

دوره‌ها زمان دیدگاه

نگرش مسئله‌گرا قبل از دهه ۱۹۷۰ پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی را مسئله دائمی شهر تلقی می‌کند و بر اساس دیدگاه اکولوژی شهر علت را تغییر در نحوه استفاده از زمین (تغییر کاربری) و کمبود مسکن و عدم نگهداری و تعمیر آن می‌داند

نگرش بنیادگرا دهه ۱۹۷۰ و تداوم آن تا کنون مجموعه نظریاتی که تحت عنوان بنیادگرا دسته‌بندی شده‌اند به طور کلی متوجه بنیادها و ریشه‌های شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است و بیش از هر چیز ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی - اقتصادی جوامع در کشورهای در حال توسعه دارد. این نظر سعی دارد به دلایل اسکان غیررسمی در قالب اقتصاد سیاسی فضا بپردازد.

نگرش هدف‌گرا دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و تداوم آن تاکنون این نگرش به بیان علت وجودی سکونتگاه غیررسمی و حاشیه‌نشینی می‌پردازد و با توجه به گذشته مداخلات در بافت‌های حاشیه‌ای عملاً با مفاهیم تخریب و پاک‌سازی مخالف است و بیش از هر چیز توجه به مفاهیمی چون

جدول شماره ۱: علت وقوع اسکان غیررسمی بر اساس دوره‌های مختلف تفکر

دوره‌ها	زمان	دیدگاه
نگرش مسئله‌گرا	قبل از دهه ۱۹۷۰	پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی را مسئله دائمی شهر تلقی می‌کند و بر اساس دیدگاه اکولوژی شهر علت را تغییر در نحوه استفاده از زمین (تغییر کاربری) و کمبود مسکن و عدم نگهداری و تعمیر آن می‌داند
نگرش بنیادگرا	دهه ۱۹۷۰ و تداوم آن تا کنون	مجموعه نظریاتی که تحت عنوان بنیادگرا دسته‌بندی شده‌اند به طور کلی متوجه بنیادها و ریشه‌های شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است و بیش از هر چیز ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی - اقتصادی جوامع در کشورهای در حال توسعه دارد. این نظر سعی دارد به دلایل اسکان غیررسمی در قالب اقتصاد سیاسی فضا بپردازد.
نگرش هدف‌گرا	دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و تداوم آن تاکنون	این نگرش به بیان علت وجودی سکونتگاه غیررسمی و حاشیه‌نشینی می‌پردازد و با توجه به گذشته مداخلات در بافت‌های حاشیه‌ای عملاً با مفاهیم تخریب و پاک‌سازی مخالف است و بیش از هر چیز توجه به مفاهیمی چون توانمندسازی، بهسازی و نوسازی دارد.

توانمندسازی، بهسازی و نوسازی دارد.

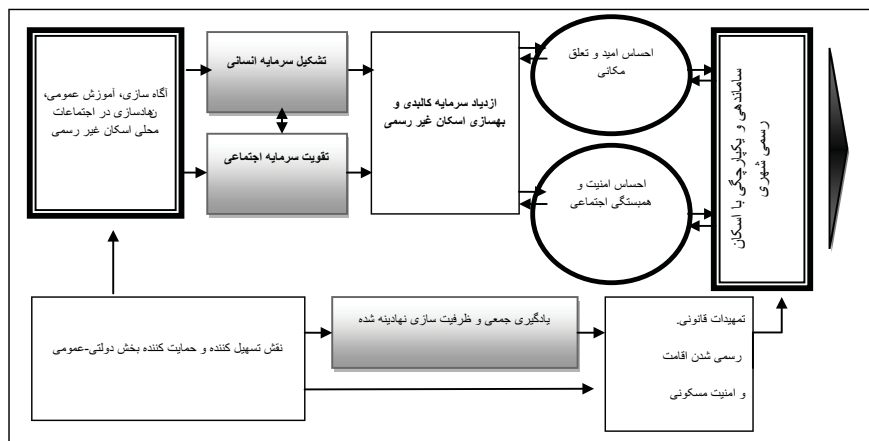
و اراضی کشاورزی موجود در اطراف شهرها گزینه خوبی برای تصرف و ساخت زمین و مسکن هستند و با توجه به آنکه بحران مسکن رو به افزایش است مسکن غیررسمی به عنوان یک سر پناه ساخته می‌شوند» (پیران، ۱۳۷۴: ۱۲۵-۱۲۶)؛ لذا می‌توان ظهور اسکن غیررسمی در ایران را به عنوان برآیند از ابعاد مختلف دانست که به صورت‌های مختلف در ایران ظهور و بروز کرده است. این در حالی است که این مقوله می‌توانست در سالیان مختلف به صورت تظاهرات و اعتراضات خیابانی بروز کند ولی شکل سکونتگاه غیررسمی به عنوان یک مانع از این مقوله جلوگیری می‌کند ولی نمی‌توان در آینده پیش‌بینی کرد که این مهم به وقوع نپیوندد زیرا این اجتماعات مانند یک انبار باروت برای هر اقدامی با توجه به شرایط آن‌ها آمادگی دارند.

بنابراین با توجه به موارد مذکور می‌توان در نظر داشت که اسکن غیررسمی و حاشیه‌نشینی معلول علت‌های گوناگون است. در نگاه مساله‌گرا افراد همه جامعه از شرایط اکولوژیکی یکسانی برخوردار نیستند، فقر همواره وجود داشته و تلاش در جهت تأمین نیازها به هر روش ممکن صورت می‌پذیرد لذا از آن می‌توان به عنوان یک امری واقعی و نسبی یاد کرد، این در حالیست که در دیدگاه مساله‌گرا اسکن غیررسمی و حاشیه‌نشینی کاملاً قابل تحلیل می‌باشد و ریشه در درون جامعه دارد از جمله انفجار جمعیت، مهاجرت و برنامه‌ریزی بدون هدف و همچنین در این مسیر می‌توان از «مسائل تحمیلی و استثمار و وابستگی‌ها نیز نام برد که در تمام رده‌ها و سلسله مراتب تأثیر عمیقی بر نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها دارد» (اطهاری، ۱۳۸۱: ۲۵). سومین نگاه که مبتنی بر راهبرد هدف‌گرا است مقوله اسکن غیررسمی و حاشیه‌نشینی را به صورت کامل می‌پذیرد و به دنبال راهکاری برای حل آن است. از این منظر مقوله توانمندسازی با تکیه بر مشارکت ساکنان به عنوان یک راهبرد کلیدی مطرح می‌شود. با توجه به مطالب بیان شده می‌توان اذعان داشت که سکونتگاه‌های غیر رسمی جلوه‌ای از فقر در ابعاد مختلف است و پیدایش و گسترش آن‌ها گویای وجود موانع ساختاری و ناکارآمدی سیاست‌های کنونی در تأمین مسکن و خدمات‌رسانی برای اقشار کم درآمد شهری در سطح کلان است. شکل‌گیری این پدیده در ایران دارای سبب تقریباً طولانی است که می‌توان با توجه به مطالب مطروحه و نظرات کارشناسی دیگر این پدیده را تحلیل کرد. توسعه نامتعادل منطقه‌ای به همراه حوادث غیر مترقبه (مانند جنگ، خشکسالی و زلزله) منجر به مهاجرت‌های گسترده‌ای می‌شود که مشکل را حادتر می‌سازند، «با مهاجرت همه جانبه از مناطق روستایی به مادر شهرها و ایجاد تقاضای بالقوه برای مسکن، بورس بازی زمین و مسکن برای افراد جدید آغاز شد و در این راستا بحرانی در امر مسکن به وقوع پیوست که موجب افزایش شدید اجاره بها و قیمت زمین و مسکن شد، در این شرایط بازار مسکن شکل می‌گیرد

۳- چارچوب نظری

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان به دو الگو که به راهبرد توانمندسازی و نحوه به‌کارگیری آن برای حل سکونتگاه‌های غیررسمی است اشاره کرد که در واقع چارچوب نظری ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی مبتنی بر توانمندسازی است. در الگوی اول توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی، شهر را به جهت پایداری در آن هدایت می‌کند همان‌طور که در بخش ریشه‌های مفهومی از توانمندسازی نیز مطرح شد، راهبرد توانمندسازی در سالیان اخیر با تئوری توسعه پایدار اجین شده است. در عین حال فنی و صادقی (۱۳۸۸) در این مدل با توجه به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی سعی بر آن دارند تا از پتانسیل‌های موجود بهترین استفاده را برای افزایش امنیت و تعلق محیطی ساکنان بنمایند؛ لذا آنچه در این مسیر حائز اهمیت خواهد بود شناخت مناسب از مکان و محیط سازمان در جهت ساماندهی آن خواهد بود که این امر نیز خود نیازمند زمان زیاد و در بعضی از مراحل به نظر محال خواهد بود. در این مدل هم چنین توجه به قانون و تمهیدات قانونی به عنوان یک پیش فرض اساسی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی توجه شده است. زیرا سکونتگاه‌های غیررسمی همان

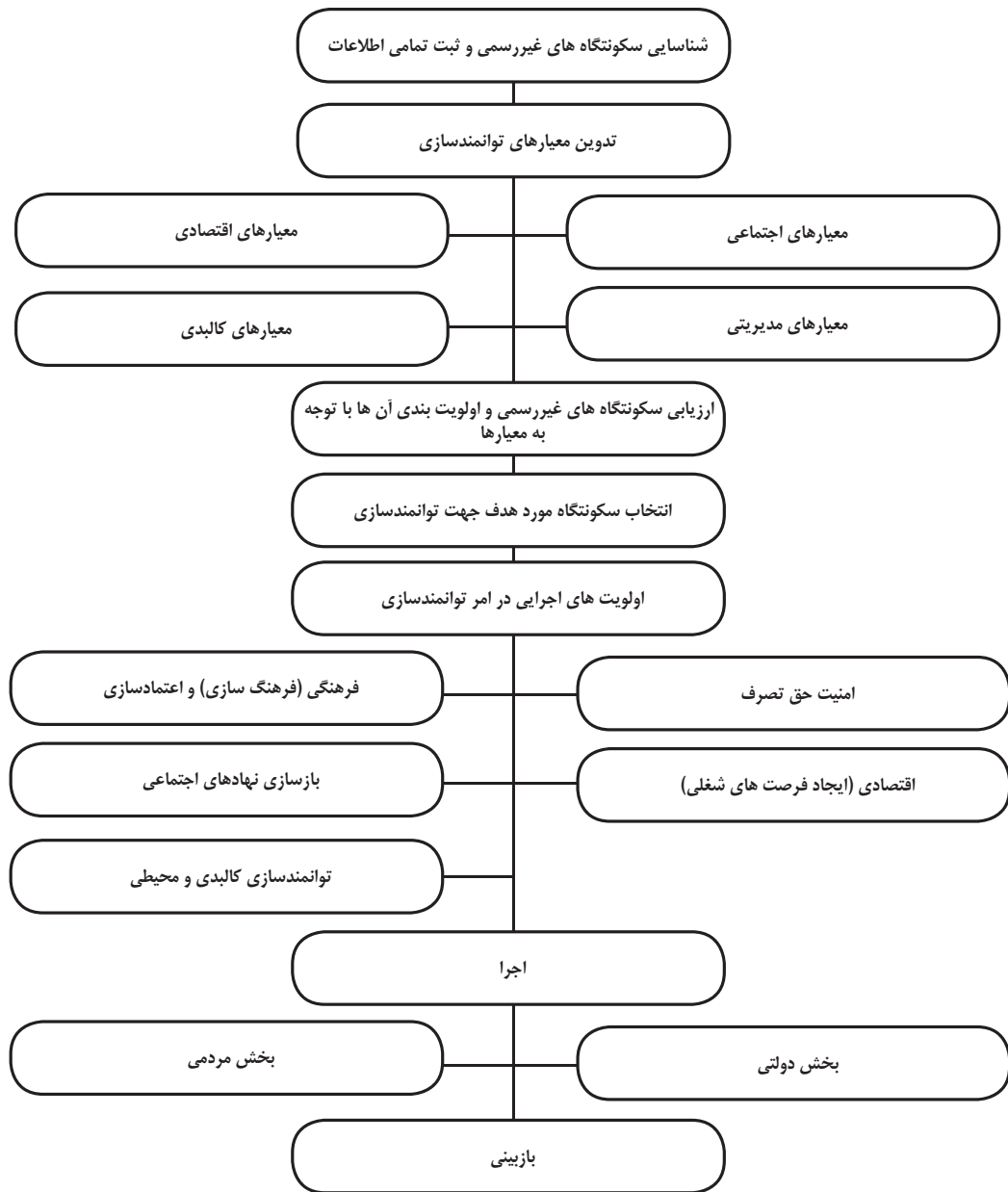
طور که در نمودار شماره ۳ نیز بدان اشاره شد دارای ویژگی غیررسمی و غیرقانونی است لذا در یکی از گام‌های اساسی رسمیت دادن قانونی به این واحد مکانی از شهر بسیار مهم تلقی خواهد شد، این مدل در ذیل ارائه شده در تصویر ۵ لحاظ شده است:



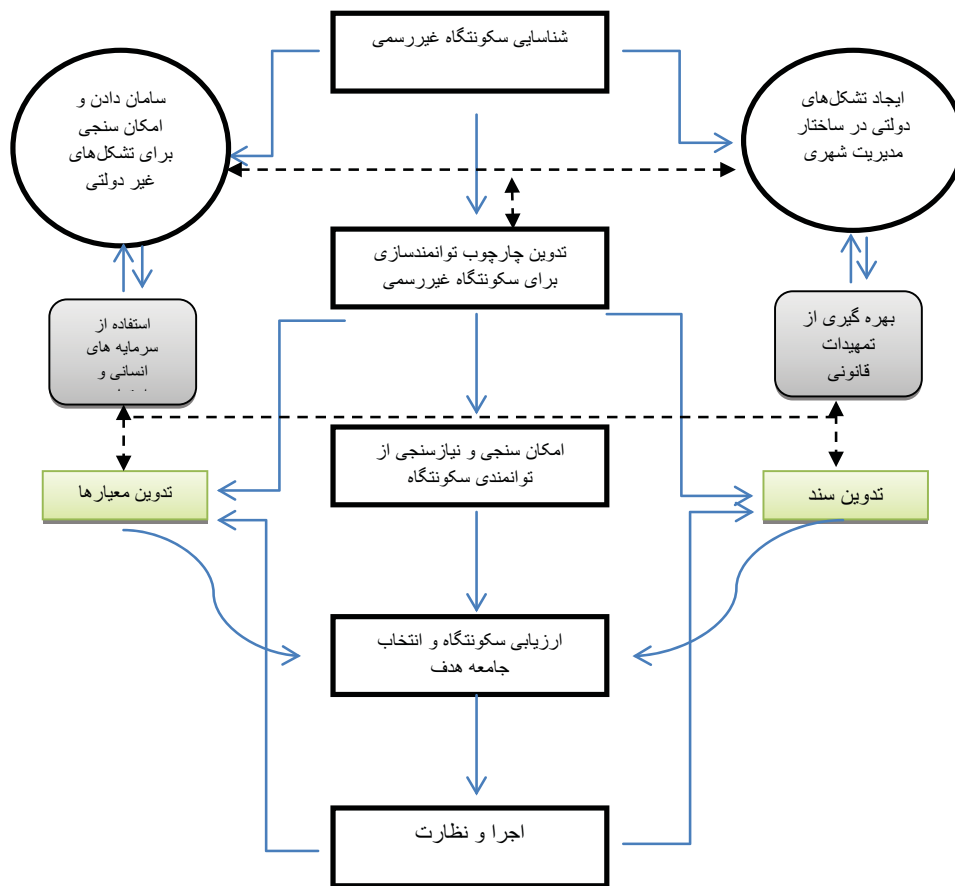
تصویر شماره ۳: ساماندهی سکونتگاه غیر رسمی با توجه به توانمندسازی منبع: فنی و صادقی، ۱۳۸۸

ارائه شده است: در این مدل سعی شده است با تدقیق مدل‌های مذکور در محدوده مورد مطالعه مدل دیگری ارائه شود. این در حالیست که در ساختار این مدل از بازخورد و تعادل استفاده شده است، زیرا امور دولتی در ساختار بوروکراتیک ایران تطابق با امور اختیاری و غیر دولتی آنچنان ندارند لذا به نظر می‌رسد باید از آرمان‌ها در اجرا اجتناب کرد با این حال با تداخل هر دو بخش (دولتی و غیر دولتی) در ارزیابی به عنوان یک سازمان مداخلاتی می‌توان انتظار داشت که راهبرد توانمندسازی به صورت عملی تحقق یابد. در این مسیر تدوین معیارها برای مفهوم توانمندسازی برگرفته از مبانی نظری و تجارب اجرایی در بحث از اجرا حائز اهمیت فراوان می‌باشد. توانمندسازی در مفهوم خود نیازمند مقتدر سازی و توانمندسازی به صورت توأماً است و هم چنین برای مستمر بودن خود باید مبتنی بر آموزش و مشارکت‌پذیری از ساکنان تدوین شود؛ لذا نظارت در امر توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بسیار حائز اهمیت است که پس از اجرا می‌تواند بدست گروه‌های سازماندهی شده غیردولتی صورت پذیرد.

مدل دوم نیز از نظر کلیت مانند مدل اول ارائه شده است. با این حال ضمن تغییر شکلی توجه به نهادهای دولتی و غیردولتی و هم چنین بازبینی (یا نظارت) به مقوله توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه شده است. هم چنین در این مدل به ارائه معیارهایی جهت توانمندسازی اشاره می‌شود ولی به نحوه انتخاب معیارهای مذکور توجهی نشده است، این در حالیست که معیارها برای اهداف و طرح باید متفاوت ارائه شوند، زیرا هر معیار برای مفاهیم، شاخص‌هایی برای ارزیابی طرح می‌باشد که لزوم تبیین دقیق آن‌ها بسیار جدی تلقی می‌شود. نکته اساسی دیگر در مدل‌های ارائه شده که حائز اهمیت فراوان است، نبود بازخورد در مدل‌ها می‌باشد، که نگاه سیستمی به فرآیند برنامه‌ریزی شهری را به مخاطره خواهد انداخت. الگوهای بیان شده چارچوب نظری برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی را تبیین می‌کند، با این حال به نظر می‌رسد برای تحقق بهتر نیازمند است که مدل‌های



تصویر شماره ۴: ساماندهی سکونتگاه غیر رسمی با توجه به توانمندسازی منبع: لطفی و ماجدی، ۱۳۸۸



تصویر شماره ۵: چارچوب نظری ساماندهی سکونتگاه غیررسمی مبتنی بر مدیریت محلی و توانمندسازی؛ مأخذ: نگارندگان

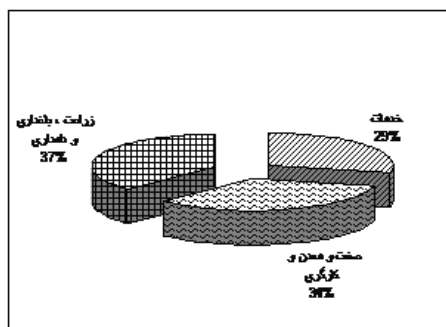
سکونتگاه غیررسمی در شهر اصفهان تلقی می‌شود. با این حال توجه به این محدوده مسکونی با توجه به اهمیت سایر بخش‌ها مانند زینبیه، لیم جیر، دهنو و سایر نقاط بسیار پایین است و دلیل آن پیوستن این روستا به محدوده خدماتی شهرداری منطقه ۱۲ اصفهان است. هم چنین بافت روستایی و الگوی اجتماعی حاکم در آن از الگوهای روابط خویشاوندی و جوامع گماینشافت تبعیت می‌کند؛ لذا به عنوان یک باهمستان با الگوهای اجتماعی مناسب نمونه خوبی در مطرح کردن می‌باشد. با این حال ساخت مراکز صنعتی و الحاق به اصفهان در سالیان اخیر موجب شده تا روند حرکت مهاجران، بالاخص مهاجران افغان به این محله افزایش یابد و جمعیت آن افزایش یابد. بر اساس داده‌های مرکز آمار و شهرداری میزان جمعیت در سال ۱۳۸۹ برابر با ۲۷۹۸۰ نفر می‌باشد که

۴- معرفی نمونه موردی

محله محمودآباد در منطقه ۱۲ از شهرداری اصفهان واقع شده است. این محله در سالیان قبل به صورت یک روستای مستقل شناخته می‌شد و در سالیان اخیر در پی رشد افقی شهر به اصفهان ملحق شده است. این محله از طرف شمال به شهر شاهین شهر و از طرف جنوب به میدان استقلال و مرکز شهری اصفهان منتهی شده است. در غرب آن شهرک مسکونی شهید محمد منتظری، متعلق به کارکنان شرکت پالایش نفت اصفهان و در بخش غربی اراضی کشاورزی و اتوبان جدید اصفهان - تهران واقع شده است. محله محمودآباد بر اساس مطالعات انجام شده و با توجه به ویژگی‌های محدوده‌های غیررسمی به عنوان یک



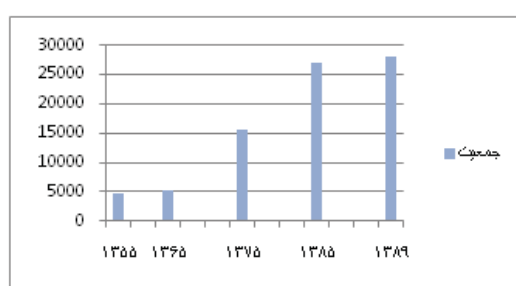
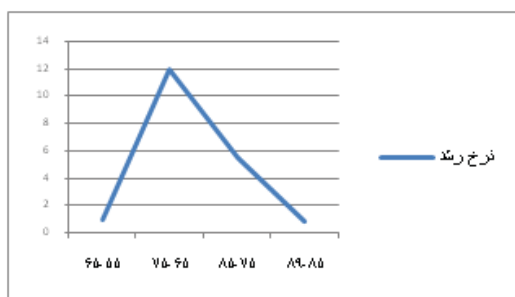
تصویر شماره ۶: روستای محمودآباد و ویژگی‌های پیرامونی آن؛ مأخذ: Google map



تصویر شماره ۸: درصد اشتغال در بخش مختلف نسبت به جمعیت بالای ۱۵ سال در محمودآباد؛ مأخذ: مطالعات میدانی نویسندگان

در زمینی به مساحت ۵۸ هکتار استقرار یافته‌اند؛ لذا تراکم جمعیتی آن ۴۸۲/۴ نفر در هکتار است که شغل اغلب افراد در سالیان گذشته کشاورزی و دامپروری بوده است ولی در سالیان اخیر میزان درصد اشتغال در بخش خدمات و صنعت در حال افزایش می‌باشد.

در محمودآباد با توجه به درآمد پایین غالب خانوارها جوانان بالأخص فرزندان پسر در دوران جوانی مشغول به کار می‌شوند که اغلب در مرکز صنعتی محمودآباد کار پیدا خواهند کرد. با این حال داشتن شغل برای دختران روستا نیز مطرح است که شغل‌هایی مانند منشی‌گری



تصویر شماره ۷: روند تحولات جمعیتی و نرخ رشد در محمودآباد فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۹؛ مأخذ: مطالعات میدانی نویسندگان

جدول شماره ۳ داده های آن مبتنی بر مطالعات میدانی به تفصیل نگارش شده است:

جدول شماره ۳: میزان درآمد ماهیانه سرپرست خانوار؛
مأخذ: مطالعات میدانی نویسندگان

درصد	تعداد(فراوانی (مطلق)	متوسط میزان درآمد در محمودآباد
۱۸	۵۴	کمتر از ۱۸۵ هزار تومان
۳۶	۱۰۸	بین ۱۸۵ تا ۳۰۰ هزار تومان
۳۴	۱۰۲	بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان
۱۲	۳۶	بیش از ۵۰۰ هزار تومان
۱۰۰	۳۰۰	جمع کل

یکی از مواردی که در پرسشنامه مطرح شد میزان بازپرداخت وام‌های قرض‌الحسنه توسط ساکنان است. همان طور که ملاحظه می‌شود اکثریت افراد توانایی بازپرداخت تا سقف ۱۰۰ هزار تومان را در ماه خواهند داشت. بنابراین در برنامه‌ریزی‌های دولتی جهت کمک به این افراد باید در نظر داشت که با این میزان، به چه نحوی می‌توان وام در اختیار آن‌ها قرار داد تا برای آنان مناسب‌تر باشد.

جدول شماره ۴: میزان توانایی بازپرداخت ماهیانه اقساط؛ مأخذ: مطالعات میدانی نویسندگان

درصد	تعداد(فراوانی (مطلق)	شرح
۱۴	۴۲	عدم توانایی پرداخت ماهیانه
۳۶	۱۰۸	کمتر از ۵۰ هزار تومان
۲۸	۸۴	بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان
۶	۱۸	بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان
۱۶	۴۸	بیش از ۱۵۰ هزار تومان
۱۰۰	۳۰۰	جمع کل

با توجه به کمک‌های دولتی در قالب وام از طرف دولت و همچنین درآمد ساکنان میزان توانایی افراد در باز

و معلمی از بیشترین شغل‌هایی است که دختران در آن مشغول به کار هستند. در نمودار ذیل درصد اشتغال ساکنان در بخش‌های مختلف بیان شده است.

با توجه به نمودار فوق بیشتر افراد در بخش صنعت مشغول به کار هستند و بخش دوم مشاغل در کشاورزی می‌باشد. این در حالیست که با توجه به روند مهاجرت و هم چنین آلودگی و کمبود آب‌های کشاورزی این بخش در سالیان آتی بسیار محدود خواهد بود.

یکی دیگر از موارد بررسی شده که توسط پرسشنامه سؤال گردید بحث پایداری در شغل است. از لحاظ پایداری شغلی نیز مشاهده می‌گردد که اکثریت افراد (۸۸ درصد) دارای مشاغل پایدار می‌باشند که این مورد از نظر اقتصادی بسیار مطلوب است. مفهوم پایداری در شغل به این معنی است که فرد در بازه زمانی^۱ مقرر برای کار، شغل خود را تغییر ندهد.

جدول شماره ۲: بررسی شغل سرپرست خانوار از لحاظ پایداری؛ مأخذ: مطالعات میدانی نویسندگان

شرح	فراوانی مطلق	درصد از کل
پایدار	۲۶۴	۸۸
ناپایدار	۳۶	۱۲
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰

بر اساس داده‌های جدول شماره ۲ ساکنان محله محمودآباد اغلب دارای مشاغل غیررسمی نیستند و این برای این سکونتگاه یک حسن به شمار می‌رود. زیرا می‌تواند در توانمندسازی محمودآباد نقش به‌سزایی در جلب مشارکت‌های مالی و انسانی داشته باشد. علاوه بر آن که دستیابی سرپرستان خانوار به مشاغل رسمی می‌تواند به عنوان عاملی باشد که میزان و تمایل به بزه را کاهش دهد. این در حالیست که درآمد افراد شاغل نسبت به میانگین استان پایین است، به طوری که تنها ۱۸ درصد پایین‌تر از حداقل حقوق دریافتی اعلام شده توسط سازمان کار دریافت می‌کنند. با وجود این، پراکندگی این اعداد و ارقام نشان دهنده توزیع نامناسب میزان درآمد در بین خانوارهای ساکن می‌باشد، که در

۱- بازه زمانی مقرر دارای تعاریف متعدد است. ولی براساس تعریف اداره کار و امور اشتغال ایران بدان معنا است که بیمه شونده دوره بیمه خود را کامل پشت سر بگذارد و بیمه کننده این امر را برای او صورت دهد و دارای بازنشستگی مشخص و معینی نیز باشد.

پرداخت وام با اقساط کمتر از ۵۰ هزار تومان برای اهالی مقدور است.

این در حالی است که کمک‌های دولت به بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی در قالب وام بیشتر مشتمل بر تعمیر و نگهداری خواهد بود که در مقیاس خرد مالی به خانواده‌ها اختصاص داده خواهد شد. در این میان بافت روستایی - شهری در محله محمودآباد شامل سه گونه متمایز ساخت است، ساخت و سازهای سال‌های اخیر که نماهای متفاوتی نسبت به ساخت و سازهای پیشین ایجاد کرده است، با این حال از لحاظ استحکام به علت نبود نظارت کامل از طرف سازمان‌های ذیصلاح دارای مشکلات فراوانی است. در بخش دیگر از روستا ساخت و سازهای قدیم و یا در دوره‌های میانی قرار دارد که بیشتر از مصالحی مانند خشت و گل، آجر و آهن، آجر و چوب و ... در آن استفاده شده است.

۵- نتیجه‌گیری

مجموع راهکارها و پیشنهادات ممکن است مشتمل بر روش‌های فیزیکی - کالبدی، روان‌بخشی اجتماعی و توانمندی اقتصادی می‌باشد. با توجه به برخی تجربیات موفق کشورهای جهانی در ساماندهی حاشیه نشینی، سند ملی توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیر رسمی (مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۸۲)، اهداف ستاد استانی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی اهداف زیر در جهت ساماندهی سکونتگاه‌های مورد نظر مطرح می‌گردد:

- بسترسازی برای ارتقای شرایط محیطی به نحوی پایدار و فراگیر در جهت رشد سلامتی، امنیت، امید، ایمان و کرامت انسانی. پیشگیری به گسترش اسکان غیر رسمی در آینده و زمینه‌سازی برای احداث مسکن مناسب، خدمات پایه و زیربناها در حد استطاعت و دسترسی گروه‌های کم درآمد در فضای رسمی شهر.
- زمینه‌سازی برای بهره‌مندی از امتیازات شهری و تعمیق فرهنگ شهری برای ساکنان به همراه مشارکت همه جانبه آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات محلی.
- توانمندی اقتصادی ساکنان با استفاده از قابلیت‌ها و

پتانسیل‌های مکان و ساکنان در جهت ارتقاء اقتصادی با توجه به شیوه‌های ساماندهی ارائه شده بر اساس تجارب سایر کشورها، گزینه پیشنهادی بسترسازی برای توانمندسازی، بهسازی و مشارکت است.

بهسازی شهری همراه با توانمندسازی و مشارکت اجتماعات محلی رهیافتی برای حل مسئله فقر شهری محسوب می‌شود، که بر مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل‌گری بخش دولتی - عمومی (شهرداری) و سازمان‌های غیر دولتی (NGO) و محلی و مشارکت فعال ساکنان تأکید دارد. این راهبرد برای حل مشکلات اسکان غیر رسمی بجای ساختار مردم - بخش دولتی - عمومی، ساختار ترکیبی نهادهای مردمی - سازمان‌های غیر دولتی - بخش دولتی - عمومی (شهرداری) را با روش‌های مشارکتی در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا پیشنهاد می‌دهد.

۵-۱- دستور کار روند توانمندسازی

در روند توانمندسازی ایجاد شورای ریش سفیدان محله و متعاقب آن شورای انتخابی محله پیش‌بینی شده است. این کار در صورتی موفق خواهد شد که حتی حضور مشاور نیز در آن حس نشود. برنامه پیشنهادی به شرح زیر است:

در ابتدا یک اتاق در اختیار رابطین بهداشت قرار گیرد. از آنجا اهالی محله با اداره بهداشت آشنایی کامل دارند، اهالی به راحتی آن را می‌پذیرند. این مرکز باید پیش زمینه لازم جهت تشکیل نهادهای مورد نظر را ایجاد کند. این مرکز بدین منظور در ابتدای فعالیت خود اقداماتی را برای ایجاد تحرک لازم انجام می‌دهد. در بین نهادهای مورد نظر، تشکل‌های غیر دولتی در پایین‌ترین سطح فعالیت‌ها می‌توانند در تحقق هدف‌ها مؤثر باشند. به عبارت دیگر تلاش می‌شود که در کنار رابطین بهداشت، یک تشکل غیر دولتی شکل بگیرد و یا تقویت شود. این کار باید به کمک افراد کاملاً آشنا به محیط و در مرحله‌ای که حداقل تحرک لازم در محله به وجود آمده است صورت بگیرد. در صورت به وجود آمدن تحرک لازم، ایجاد کلاس‌های آموزشی در زمینه‌هایی مانند روش ساخت و ساز با استفاده از روش‌های ساخت



مرسوم در مرحله باید در دستور کار قرار گیرد. این کلاس‌ها عملی و در محوطه‌های باز انجام می‌شود. سازمان اجتماعی به عنوان یک سازمان هدف در راهبرد توانمندسازی همواره مورد توجه اساسی می‌باشد. این در حالیست که با توجه با نیاز مشارکت در سایر سازمان‌ها مانند اقتصادی و کالبدی تبیین این موضوع در بخش اجتماعی بسیار حائز اهمیت است و برای دستیابی به آن ایجاد عوامل مختلفی نیازمند می‌باشد برای مثال جلب اعتماد، آموزش، افزایش سطح اطلاعات و افزایش انگیزش؛ لذا نیاز است در ابعاد فردی با مصاحبه و ابعاد اجتماعی - مدیریتی وارد شد در عین حال همه موارد فوق مبتنی بر افزایش سطح فرهنگی ساکنان در روستای محمودآباد و تقویت ارزش‌های مختلف است برای دستیابی به این منظور لازم است تا با استفاده از پتانسیل گروه‌های مختلف دستیابی به این مقوله را تسهیل کرد در تجربیات مورد بررسی قرار گرفته شده که در فرازهای بالا به صورت مبسوطی بدان پرداخته شد. یکی از مهم‌ترین گروه‌های مورد بررسی در این بعد توجه به زنان و جوانان می‌باشد که در محمودآباد نیز با افزایش آموزش به آن‌ها و همچنین ایجاد سازمان‌های غیردولتی می‌توان این موضوع را به صورت دقیقی کانالیزه کرد. در همین راستا می‌توان با احداث مراکز فرهنگی - تفریحی مانند کتابخانه، خانه‌های هنر و ... و همچنین احداث پارک و فضاهای سبز ضمن ایجاد مکانی برای گذران اوقات فراغت امر مشارکت‌پذیری را در میان گروه‌های مختلف افزایش داد که راهبردها و سیاست‌های اجرایی در جدول ۴ بیان شده است:

منابع و مأخذ:

۱. اخگر، حامد (۱۳۹۱)، ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با تاکید بر توانمندسازی؛ مطالعه موردی محمودآباد اصفهان، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران
۲. اخگر، حامد (۱۳۸۸)، نقش و جایگاه ارزیابی مشارکتی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، راهکاری در جهت افزایش ایمنی عابر پیاده، مقاله پذیرفته شده در اولین کنفرانس

- ملی تصادفات و سوانح جاده ای و ریلی، دانشگاه زنجان، زنجان
۳. اسکندری دورباطی، زهرا (۱۳۸۱)، سیاست‌های بانک جهانی در خصوص توانمندسازی، فصلنامه هفت شهر، شماره هشتم، تابستان، تهران
 ۴. اطهری، کمال (۱۳۸۱)، عدالت در فضا، فصلنامه هفت شهر، شماره نهم و دهم، زمستان، تهران
 ۵. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران
 ۶. برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
 ۷. بوچانی، محمدحسین (۱۳۸۳)، اسکان غیررسمی در محله بان برز ایلام، ماهنامه شهرداری، سال ششم، شماره ۶۶، تهران
 ۸. پیران، پرویز (۱۳۷۴)، آلودگی ناشینی در ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۷-۸۸، تهران
 ۹. پیران، پرویز (۱۳۸۱)، باز هم در باب اسکان غیر رسمی، مورد شیرآباد زاهدان، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم، تهران
 ۱۰. جواهری پور، مهرداد و داور پناه، بابک (۱۳۸۱)، سکونتگاه‌های ناپایدار اقبال کم درآمد شهری، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم، تهران
 ۱۱. حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۸۲)، اسکان غیر رسمی در جهان، ماهنامه شهرداری‌ها، سال پنجم، شماره ۵۰، تهران
 ۱۲. شکوئی، حسین (۱۳۷۴)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران
 ۱۳. شیخی، محمد (۱۳۸۲)، سکونتگاه‌های خودرو، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، جلد اول (ساخت کالبد شهری)، دانشگاه شیراز، شیراز
 ۱۴. شیخی، محمد (۱۳۸۰)، تبیین فرآیند شکل‌گیری و دگرگونی سکونتگاه‌های خودروی پیرامون کلان‌شهر تهران (مطالعه موردی اسلام شهر، نسیم شهر و گلستان)، رساله در مقطع دکتری دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران
 ۱۵. فنی، زهره و صادقی، یدالله (۱۳۸۸)، توانمندسازی

جدول شماره ۴: ارائه راهبردهای جهت ساماندهی سکونتگاه غیررسمی محمودآباد با تاکید بر الگوهای مدیریت محلی و توانمندسازی؛ مأخذ: نگارندگان

مشکلات	راهبردها	سیاست‌های اجرایی	طرح‌های اجرایی
• رشد بالای جمعیت	• کنترل رشد جمعیت	• آموزش ساکنان به ویژه زنان در خصوص ضرورت روش‌های کنترل موالید	• آموزش ساکنان به ویژه زنان در خصوص ضرورت روش‌های کنترل موالید
• وجود مواد مخدر در نقاط پیرامونی به ویژه شرق روستا	• ارتقای امنیت اجتماعی	• کاهش موالید در بین ساکنان	• تأسیس تشکل‌های غیر دولتی به منظور جلب مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی و معضلات موجود • استفاده از گروه‌های اجتماعی در قالب سایت-هایی شبکه‌های اجتماعی
• وجود مشکلات معیشتی برای گروه‌های آسیب‌پذیر	• حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر	• افزایش مهارت‌های شغلی در ساکنان و ارائه موقعیت‌های شغلی جدید توسط دولت	• تشکیل کلاس‌ها آموزش فنی و حرفه‌ای برای بانوان • ایجاد مشاغل سبک برای بانوان
• عدم هماهنگی فرهنگ مردم روستا با فرهنگ مردم شهری در صورت گسترش شهر اصفهان و قرارگیری روستا در داخل شهر	• ترویج فرهنگ شهرنشینی با رعایت الگوهای سنتی روستا	• آشنا نمودن ساکنان با فرهنگ شهرنشینی و دوری‌گزینی از تقابل با شهرنشینان • افزایش تعلق خاطر به تاریخ مکان	• برگزاری کلاس‌های آموزش شهری و شهروندی • ایجاد مراکز فرهنگی کوچک مقیاس (خانه فرهنگ، خانه جوان، نگارخانه و ...) • ایجاد جشن‌های سنتی مانند جشن درو و پخت نان و یا برگزاری مراسم با روش‌های سنتی مانند عروسی
• پایین بودن سطح سواد در بین ساکنین	• افزایش سطح سواد ساکنان	• حمایت از فعالیت‌ها و راه‌اندازی مراکز فرهنگی و تفریحی	• طرح شناخت عوامل بازدارنده کودکان و جوانان از ادامه تحصیل • همکاری با نهضت سواد آموزی جهت برگزاری و گسترش کلاس‌های نهضت
• کمبود مراکز گذران اوقات فراغت در منطقه	• غنی‌سازی اوقات فراغت	• ایجاد کانون‌های پرورش فکری و مراکز برای اوقات فراغت نوجوانان • احداث فضای سبز عمومی و مراکز تفریحی در داخل روستا برای گذران اوقات فراغت	• ایجاد کانون‌های پرورش فکری و مراکز برای اوقات فراغت نوجوانان • احداث فضای سبز عمومی و مراکز تفریحی در داخل روستا برای گذران اوقات فراغت

28. Whitehead, M. (2007), *Spaces of Sustainability, Geographical Perspective on the Sustainable Society*, Published by Rutledge, USA.
29. Walters, D. (2007), *Designing Community*, Published by Elsevier, USA.
30. Zimmerman, M.A. Perkins, D.D. (1995), *Empowerment Theory, Research and Application*, *American Journal of Community Psychology*, vol 23, no 5, pp: 569-579.

حاشیه‌نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی اسلام آباد، منطقه ۲ شهرداری تهران)، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۷، تهران ۱۶. فنی، زهره و صادقی، یدالله (۱۳۸۸)، دانشنامه کارآفرینی، جلد اول، انتشارات بنیاد دانشنامه نگاری ایران، تهران

۱۷. سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی (۱۳۸۲)، مصوب هیئت وزیران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی، تهران

۱۸. معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و ششم، تهران

۱۹. میرفندرسکی، مهدی و همکاران (۱۳۸۱)، طرح راهبردی ساماندهی حاشیه شهر مشهد، شهرداری مشهد، مدیریت ساماندهی حاشیه شهر مشهد، مشهد

۲۰. هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۲)، حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، نشر تیهو، چاپ اول، مشهد

21. Bridge, G. (2005), *Reason in the City of Difference*, Published by Rutledge, USA.
22. Cowan, R. (2005), *the Dictionary of Urbanism*, Published by Streetwise press, London.
23. Friedman, J. (1992), *Empowerment, the Politics of Alternative Development*, Published by Blackwell, Oxford.
24. Gilderbloom, I. (2008), *Invisible City, Poverty, Housing and New Urbanism*, Published by University of Texas, USA.
25. Neal, P. (2003), *Urban Village and the Making of Communities*, Published by Spon press, USA.
26. Riddell, R. (2004), *Sustainable urban planning, Tipping the balance*, Published by Blackwell, Oxford.
27. Vale, L.J. and Campanella, T.J. (2005), *the Resilient City*, Published by Oxford university press, London.